

فصلنامه «مطالعات نظریه و انواع ادبی»

دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه حکیم سبزواری

سال دوم، شماره پنج، زمستان ۱۳۹۶، صص ۴۲-۲۹

بررسی مؤلفه‌های سوررئالیستی در رمان سمفونی مردگان

حجت‌الله امیدعلی^۱

دانشگاه اراک

اراک، ایران

چکیده

رمان سمفونی مردگان، نوشته عباس معروفی با برخورداری از رویکردی نو به فرم و محتوا، شالوده عناصر چند مکتب ادبی مختلف را با هنرمندی در خود جای داده است. این موضوع، خواننده را برای رسیدن به لایه‌های نهانی رمان و شخصیت‌ها به چالش می‌کشد و این سهیم شدن خواننده در تفسیر وقایع، به محبوبیت و مقبولیت رمان عباس معروفی، کمک شایانی می‌کند. وجود مؤلفه‌ها و مبانی مکتب سوررئالیسم در رمان سمفونی مردگان یکی از ویژگی‌های این رمان است که عباس معروفی توانسته با پرش زمان از حال به گذشته و بالعکس بین خیال و واقعیت ارتباط برقرار کند و ضمن اقناع مخاطب، تصویری شگفت و جذاب برای او به نمایش بگذارد. پنج مؤلفه اصلی مکتب سوررئالیستی در این رمان، نمود بارز دارد: ساختار درونی غیر منطبق با سیر زمانی متعارف؛ ترسیم فراواقعی زندگی شخصیت‌ها و فضای رمان؛ آفرینش تصاویر سوررئالیستی حاصل از لحظه‌های روانی شخصیت‌ها؛ تسلط جنون و عقل‌گریزی و روان‌پریشی قهرمان اصلی رمان. این مقاله با هدف بررسی مؤلفه‌های سوررئالیستی رمان سمفونی مردگان، در پی پاسخ به این پرسش است که مؤلفه‌های مکتب سوررئالیستی در رمان سمفونی مردگان چگونه نمود یافته است؟

واژه‌های کلیدی: رمان معاصر ایران، سمفونی مردگان، مؤلفه‌های سوررئالیستی.

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اراک: H-omidali@araku.ac.ir

زمان دریافت: ۱۳۹۶/۶/۹ زمان پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۰۹

۱- مقدمه

رمان سمفونی مردگان نوشته عباس معروفی (متولد ۱۳۳۶) از رمان‌های پرمخاطب و شناخته‌شده با مقبولیت بالای دوره معاصر است که با بیان دغدغه‌های مشترک انسانی، در ساختی نظام‌مند و سمفونی‌وار توانسته اقبال عمومی زیادی کسب کند. یکی از دلایل جذابیت این رمان، حضور عناصری از مکتب‌های ادبی فلسفی مختلف در کنار یکدیگر است و تلفیق این مکتب‌ها باهم به اثر جامعیت بخشیده و آن را به ساختی سمفونی‌وار نزدیک کرده است. عباس معروفی، سمفونی مردگان را با تلفیقی از واقعیت و خیال نوشته و در این شیوه توانسته است، خلاقانه عناصر چندین مکتب ادبی را در رمانش به کارگیرد و بینش‌ها و جهان‌نگری‌های ویژه و متفاوت این مکتب‌ها را در اثرش، عینی و ملموس سازد و درعین‌حال رمان از نظر درون‌مایه و عمل داستانی آسیبی نبیند.

۱-۱. بیان مسئله تحقیق

بررسی و تحلیل مؤلفه‌های مکتب‌شناسی یک اثر موجب می‌شود هم‌زمان با ویژگی‌های ساختاری و محتوایی آن آشنا شود و بتواند شناختی از درون‌مایه و مسائل زیباشناختی اثر به‌دست آورد. تبیین مؤلفه‌های مکتب‌های ادبی در رمان سمفونی مردگان، امکان شناخت و فهم لایه‌های پنهان و پیچش‌های آن را فراهم می‌سازد.

این رمان که شالوده عناصر مکتب‌های ادبی مختلف را با هنرمندی در خود جای‌داده است، خواننده را برای رسیدن به لایه‌های نهانی داستان و شخصیت‌ها به چالش بیشتری وادار می‌کند و این سهیم‌شدن خواننده در تفسیر وقایع، به محبوبیت و مقبولیت رمان عباس معروفی، کمک شایانی می‌کند. وجود عناصر و مبانی مکتب سوررئالیسم در رمان سمفونی مردگان یکی از ویژگی‌های این رمان است که عباس معروفی توانسته با پرش زمان از حال به گذشته و بالعکس بین خیال و واقعیت ارتباط برقرار کند و ضمن اقناع مخاطب، تصویری شگفت و جذاب برای او به نمایش بگذارد. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که چه مؤلفه‌هایی رمان سمفونی مردگان را به یک اثر سوررئالیستی نزدیک کرده است؟

۱-۲. پیشینه و روش تحقیق

درباره رمان سمفونی مردگان، پژوهش‌های گسترده‌ای انجام‌شده که این استقبال، نشان از کارآمدی، مقبولیت و جذابیت این رمان است. این رمان در ادبیات داستانی معاصر از

برجسته‌ترین رمان‌های دهه شصت است که از زمان انتشار آن، تحلیل‌های بسیاری با رویکردهای متنوع درباره آن پدید آمده است. این کتاب‌ها و مقالات عبارتند از مقاله «متن پنهان در سمفونی مردگان: بررسی بازتاب کتاب اردبیل در گذرگاه تاریخ در رمان عباس معروفی» (دهقان پور، ۱۳۹۳)، «بررسی و تحلیل انسان آرمانی در رمان سمفونی مردگان» (بزرگ بیگدلی، ۱۳۹۲)، «تحلیل روان‌کاوانه شخصیت‌های رمان سمفونی مردگان بر اساس آموزه‌های زیگموند فروید و شاگردانش» (صلاحی مقدم، ۱۳۹۱)، «بررسی تطبیقی داستان‌های بن‌بست و سمفونی مردگان با تأکید بر مسئله اضطراب مرگ» (گرچی، ۱۳۸۹)، «پژوهشی از خشم و هیاهو تا سمفونی مردگان» (اسحاقیان، ۱۳۸۷)، «روان‌کاوی و ادبیات، بررسی کتاب سمفونی مردگان» (یاوری، ۱۳۸۶)، «روایت جریان سیال ذهن در سمفونی مردگان» (محمودی، ۱۳۸۲) و «نقد کتاب سمفونی مردگان» (بهبهانی، ۱۳۷۰) و کتاب *ازل تا ابد، درون‌کاوی رمان سمفونی مردگان* (یکتا، ۱۳۸۴). با وجود پژوهش‌های متنوع و ارزشمندی که درباره رمان سمفونی مردگان انجام گرفته است اما خاستگاه مکتب پژوهشی این اثر معروف مسکوت مانده است. این پژوهش به روش تحلیل-محتوا قصد دارد مؤلفه‌های سوررئالیستی رمان سمفونی مردگان را بررسی و تحلیل کند.

۲- مبانی نظری تحقیق

۲-۱. گذری بر رمان سمفونی مردگان

این رمان، در پنج فصل روایی تلخ از زندگی مملو از سیاهی، مرگ و ناامیدی جابر اورخانی، همسرش و چهار فرزندش به نام‌های یوسف، آیدین، آیدا و اورهان را بازگو می‌کند؛ روایتی از بیست و چهار ساعت زندگی اورهان:

آخرین بیست و چهار ساعت زندگی اورهان، پسر کوچک خانواده است. او در یک بعد از ظهر یخ‌زده که برف امان شهر را بریده، در حجره‌اش را می‌بندد، کارگران را به خانه می‌فرستد و به طرف شورآبی (دریاچه‌ای کوچک در نزدیکی اردبیل) به راه می‌افتد که آیدین (برادر بزرگ تر خود) را پیدا کند و بکشد. اورهان در این بیست و چهار ساعت، هم‌زمان با این که جهان بیرون را می‌کاود تا آیدین را پیدا کند و بکشد، دنیای درون خودش را هم زیر پا می‌گذارد. چهل‌وسه سال زندگی گذشته خودش را دوباره مرور می‌کند؛ در روندی معکوس به جوانی، کودکی و خردسالی برمی‌گردد. همه توش و توانش را به کار می‌گیرد تا به خودشقبولاند که با آنکه آیدین را خیلی دوست دارد، باید او را بکشد و

سرانجام نیز، به قربانگاه این گناه می‌رود و در نهایت خود، آنجا از پای درمی‌آید (یاوری، ۱۳۸۶: ۱۲۴).

حضور برجسته جریان سیال ذهن و تک‌گویی ذهنی چنان مرز بین گذشته و حال را در هم‌آمیخته که داستان به ترتیب رخداد وقایع روایت نمی‌شود؛ بلکه به‌طور متناوب به سمت گذشته و آینده در حرکت است. بیشتر مواقع با زاویه دید اول شخص، اورهان به خاطرات آشفته و پراکنده گذشته خود سرک می‌کشد. فضای رمان بسیار تراژیک و غم‌انگیز است بدین صورت که «فرروپاشی یک خانواده سنتی ایرانی را حول جنون و از دست‌رفتگی یک روشنفکر نشان می‌دهد» (میرعابدینی، ۱۳۸۰: ۱۰۸۷). این رمان از ارزش سیاسی زیادی برخوردار است؛ به گونه‌ای نمادین است که می‌توان جای‌جای ایران را در آن نمایش داد؛ مخصوصاً در جنگ جهانی دوم که روس‌ها، انگلیس‌ها و آمریکایی‌ها هر یک چیزی را به تاراج می‌برند. حضور بارز برف و کلاغ در زمینه داستان هم حس سرما و مرده بودن شهر را تشدید می‌کند و هم داستان قابیل و هابیل و مضمون برادرکشی را تکرار می‌کند.

۲-۲. خلاصه رمان سمفونی مردگان

جابر اورخانی، یک تاجر موفق و سرشناس در کاروان‌سرای آجیل فروش‌هاست که با همسر و چهار فرزندش (یوسف، اورهان، آیدین و آیدا) در اردبیل زندگی می‌کند. این رمان حوادث بین سال‌های ۱۳۱۳ تا ۱۳۵۵ را نقل می‌کند. در زمان جنگ جهانی دوم، سال ۱۳۲۰، یوسف (فرزند ارشد خانواده) که هر روز از ایوان محو تماشای چتربازها می‌شود، روزی تصمیم می‌گیرد تا خودش پرواز کند؛ پس با چتر بزرگ و سیاه پدر از لبه بام پرواز می‌کند و تبدیل به چیزی می‌شود بین آدم و حیوان؛ مرده و زنده، یک تکه گوشت. پس از یوسف، پدر دوست دارد که آیدین مثل خودش تاجر شود و همراه او به حجره برود، اما آیدین می‌خواهد ادامه تحصیل بدهد. اورهان که می‌خواهد تنها وارث پدر باشد و طمع بیشتری برای تصاحب اموال او دارد دوست دارد که آیدین به همان درس و کتابش علاقه‌مند باشد. در جریان قیام پیشه‌وری، پاسبان شهر که دائم به مغازه جابرخان رفت‌وآمد می‌کند، به او هشدار می‌دهد که مبدا بچه‌ها از مدرسه اعلامیه و یا شب‌نامه خطرناکی بیآورند. از آن پس پدر مدام آیدین را تحت نظر می‌گیرد. آیدا دختری که به خاطر زیبایی بیش از حد و تعصب و سخت‌گیری پدر به سکوت خو گرفته و آن‌قدر بی‌حضور شده بود که همه فراموشش کرده بودند. وقتی هفده ساله شد، انوشیروان آبادانی، تحصیل کرده آمریکا به خواستگاری او می‌-

آید. پدر مخالف ازدواج آن‌هاست و در روز عروسی آید، به تبریز می‌رود؛ و حتی حاضر نمی‌شود با آن‌ها خداحافظی کند و ازدواج آیدا را «ناموس دزدی» می‌پندارد. پس از رفتن آیدا به آبادان، پدر بسیار بی‌حوصله می‌شود و مخصوصاً با دیدن اشعاری که از آیدین در روزنامه چاپ می‌شود تصور می‌کند که زیرزمین خانه منشأ همه دردها است. آنجا را با تمام اثاثیه و کتاب‌ها می‌سوزاند. آن شب وقتی آیدین با صحنه زیرزمین سوخته مواجه می‌شود، از خانه می‌رود. در کارخانه چوب‌بری آقای میزرایان که ارمنی است، مشغول کار می‌شود. اورهان چند بار پیش او می‌رود و حتی یک بار پدر به همراه اورهان به آنجا می‌رود اما آیدین بر نمی‌گردد. برای بردن آیدین به سربازی سراغ او می‌روند، اما آیدین خود را در زیرزمین کلیسای کنار خانه‌اش، مخفی می‌کند. در طول زمانی که آیدین از صبح تا شب در زیرزمین مشغول قاب‌سازی است، فقط سورمه، دختر برادر آقای میزرایان، هر روز برای او روزنامه و کتاب می‌برد و آیدین عاشق و شیفته او می‌شود. درست زمانی که آیدین قصد دارد برای ادامه تحصیل به تهران برود، خبر مرگ آیدا و خودسوزی او را در روزنامه می‌خواند و بی‌درنگ به خانه باز می‌گردد. پس از یک سال از مرگ آیدا، پدر نیز بر اثر بیماری قلبی فوت می‌کند و وصیت می‌کند که همه چیز باید میان اورهان و آیدین نصف - نصف باشد.

از این جاست که درگیری میان این دو برادر به اوج می‌رسد و اورهان برای اینکه به تنهایی مالک و وارث همه چیز باشد، به آیدین مغز چلچله می‌خورد و او را دیوانه می‌کند. مادر که تنها دل‌خوشی‌اش آیدین است پس از دیوانگی او و به علت بیماری آسم، می‌میرد و نگهداری یوسف دیگر از توان اورهان بر نمی‌آید. پس او را به بیابان می‌برد و با سنگی به سر او می‌زند و همان‌جا خاکش می‌کند. اورهان در پی ازدواج با آذر به عقیم بودن خود پی می‌برد اما آیدین از ازدواج با سورمه صاحب دختری شده که حالا ۱۵ سال دارد و برای ثروت اورهان خطرناک است. پس اورهان به دنبال آیدین می‌رود تا قال قضیه را بکند اما او را پیدا نمی‌کند و در راه با پیرمردی که نماد عزرائیل است ملاقات می‌کند و روح از بدنش خارج می‌شود.

۳- بحث و بررسی

۳-۱. مؤلفه‌های سوررئالیستی در رمان سمفونی مردگان

۳-۱-۱. یکی از مؤلفه‌های اساسی رمان‌های سوررئالیستی این است که ساختار درونی که حادثه و شخصیت‌ها را به حرکت درمی‌آورد، نباید با منطقی در هماهنگی باشد که صرفاً از طریق مشاهده و بررسی ساده و پیش‌پاافتاده حاصل می‌شود. همچنین ساختار درونی نباید از گاهنامه حقیقی وقایع پیروی کند و رویدادهای جزئی داستان نباید بنا بر ترتیب زمانی وقوع آن‌ها در داستان جای گیرد (ر.ک: Mourier, 2006: 11-12).

سمفونی مردگان آمیزه‌ای از خاطرات، توهمات، کابوس‌ها، هذیان‌گویی‌ها و تصویرسازی‌های ذهنی است که این مضامین گاهی بدون توضیحات منطقی و به دور از عقل در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و گذشته‌های دور را به زمان حال و امور ذهنی و انتزاعی را به واقعیت‌های عینی پیوند می‌زنند. عباس معروفی در این داستان با استفاده از زمان‌پرسی و زاویه‌دیدهای متفاوت خاطرات و یادگارهای غیرمنسجم ذهن شخصیت‌های اصلی داستان را روایت کرده است. شخصیت‌های اصلی داستان با جستجو در خاطرات و رؤیاهای خود در پی آن هستند تا به شناختی از خود و دیگران برسند و بر این اساس رؤیاهای و خاطرات ذهنی خود را بازسازی می‌نمایند. در عالم خیال و رؤیا، جهان حس سر تسلیم فرود می‌آورد و کل منطق زبان و نظام خطی زمان و روابط علی و معلولی در هم می‌ریزد، عادت از آن پیراسته می‌شود و مرزهای قاطع میان انسان، جهان و اشیا از بین می‌رود. رؤیا توانایی آن را دارد که زندگی را تکان دهد. رؤیا مانند تفکر یک وسیله شناخت است و باید با همین عنوان تحلیل شود. بدین سان رؤیا دیدن تفننی برای ذهن نخواهد بود، بلکه یکی از روشن‌گرترین فعالیت‌های آن شمرده خواهد شد و به این مفهوم سوررئالیسم به فلسفه هندی نزدیک می‌شود (ر.ک: سیدحسینی، ۱۳۸۷: ۸۴۰). در مثال‌های زیر عباس معروفی رمان را به عالم خواب و خیال می‌کشاند:

بعضی وقت‌ها خیال می‌کردم دارد ورق‌های کتاب را می‌خورد. آخر کتاب سرش را خورد. صدای پلک زدن و فکر کردنش از آن ته راهرو، به گوش می‌رسید (معروفی، ۱۳۸۶: ۱۶).

سال‌ها پیش که آیدین به دوران کودکی خود واپس می‌گشت، درمی‌یافت همه مسیرها از همان‌جا تغییر کرده بود. او به خوبی می‌دانست که همیشه بچه‌اول مکافات دیگران را پس می‌دهد و این را نیز می‌دانست که وارثان تنها، طمع بیشتری برای تصاحب به کار می‌برد. این چیزها خوابی بود که بعدها تعبیرش را به‌وضوح دید (همان: ۱۱۳).

نگاهش که به آیدین می افتاد، احساس شرم، غربت و تنهایی در آن موج می زد و آیدین حس می کرد که خواب می بیند و بی وزن است (معروفی، ۱۳۸۶: ۱۴۰).

۳-۱-۲. ترسیمی فراواقعی از زندگی و مرگ یوسف نیز یکی دیگر از مؤلفه‌های سوررئالیستی رمان سمفونی مردگان است. یوسف در کودکی زمانی که می خواهد به تقلید از چتربازان از پشت بام بپرد روزی با چتر پدرش می پرد به زمین می افتد و دست و پایش می شکند. او در زیرزمین خانه تنها زندگی می کند و زندگی نباتی دارد. تکه گوشتی است که فقط می خورد تا اینکه توسط اورهان کشته می شود.

شب ها وقتی پا در آن خانه بزرگ و سرد می گذاشت، در همه‌ه دور دست سالیان دیوار می شد و سکوت می کرد کاج می شد و وسط حیاط می ایستاد، در می شد و بسته می ماند. همه‌ه دور دست به شکل یوسف در می آمد که مثل یک تکه گوشت با چشم‌های وق زده خیره می ماند (معروفی، ۱۳۸۶: ۱۶).

۳-۱-۳. تکانه‌های روحی و روانی از جمله راه‌های ورود به دنیای وهم و خیال در مکتب سوررئالیسم است. تصویر سوررئالیستی حاصل «لحظه روانی» است. «لحظه روانی مؤلفه‌ای است پیچیده و مرکب از لحظه‌های دیگر که گذرا و پُران است، برق آسا می درخشد و تکانه روانی ایجاد می کند» (فتوحی، ۱۳۸۹: ۲۱۴). لحظه روانی، ناپایدار، پیچیده، رنگارنگ و تندگذر است. سوررئالیست‌ها معتقدند که بیان روشن و کلام مبتنی بر روابط عقلی و منطقی و بیان‌هایی که شالوده آن‌ها بر تقابل و تشریح و تقریر استوار است، قادر به بیان حقیقت تجربه لحظه روانی و نگارش آن نیست. لحظه روانی آکنده از تناقض و هذیان است، جرقه‌ای است در هم آمیخته از پاره‌های گریزان ناساز:

ساعت بسیار زیبایی بود که از کار افتاده بود؛ یعنی از زمانی که قلب آقای درستکار یک لحظه از حرکت باز ایستاد یا شاید از وقتی که ساعت از کار افتاد. قلب هم دیگر نتپید (معروفی، ۱۳۸۶: ۱۸).

لحظه ای بعد هیاهوی خیابان خوابید و شهر در تاریکی و سکوتی فرو رفت که انگار سال هاست آدم‌هاش مرده اند. انگار آن‌ها هیچ وقت شهر نبوده (همان: ۵۴).

۳-۱-۴. مخالفت با سلطه عقل از جمله اصول دیگر سوررئالیسم است و برای مقابله با آن راه‌های متفاوتی وجود دارد که از جمله آن‌ها می توان به جنون اشاره کرد. در این حالت

نیروهای نهفته پنهان درون، آزاد می شوند و می توانند به عنوان یک منشأ مهم شناخت و آفرینش سوررئالیستی به حساب آیند. تصویر سوررئالیستی مانند تصویرهای افیونی است که شخص در احضار آن‌ها هیچ اراده‌ای ندارد. آنها بی اختیار و ظالمانه می آیند. شخص را از آن‌ها گریزی نیست زیرا در آن حالت اراده تعطیل است و قوای ذهنی از کنترل شخص خارج اند ولی ذهن در میان امور متضاد و بی ربط به راحتی سیر سیاحت می کند. «تخیل همچون حاکمی مطلق العنان است که بر عالم دیوانگان حکومت می کند. مطالعه در ضمیر آنان که از قید و بند عقل رها شده اند، افق‌های معرفتی تازه‌ای در برابر چشمان ما می‌گشاید» (سیدحسینی، ۱۳۸۹: ۱۲۰). جنون حالت‌هایی از سلطه عقل است. حالت رهاسازی نیروهای نهفته در درون است. از این جهت یکی از منابع شناخت و سرچشمه آفرینش سوررئالیستی است.

در رمان سمفونی مردگان افکار و اعمال آیدین پس از خوردن مغز چلچله از دست اورهان، با سبک و زبان بیماران اسکیزوفرنی (روان پریش) به خواننده منتقل می‌شود، زیرا اصل رسایی ارتباط، کیفیت و شفافیت در کلام او دچار نقص و ابهام شده است. در فصل چهارم با تکیه بر جنون آیدین مرز میان عقل و جنون را درهم می‌شکند. عباس معروفی در این فصل خاطرات گذشته آیدین را در مواجهه با دیگر شخصیت‌های داستان، با اندیشه‌های جنون‌آمیز درهم می‌آمیزد و واقعیت جدیدی را خلق می‌کند که از زبان شخصیتی با ویژگی‌های دیوانه و مجنون روایت می‌شود. ذهن پارانویایی و روان پریش آیدین که توانایی فهم آن ممکن نیست. فهم جملات آیدین در این فصل به راحتی قابل درک نیست. همچنین زمانی که اورهان برادر بزرگترش را به قتل می‌رساند حالت جذبه و جنون به او دست می‌دهد زیرا به طرز فجیع و دیوانه‌وار او را می‌کشد.

آن وقت گذاشتمش توی یک گودال، خواستم روش خاک بریزم اما دلم نیامد. کمربندم را باز کردم و دور گردنش حلقه انداختم و کشیدم صداس در نمی‌آمد و حرکتی نمی‌کرد. من چاقوی کوچکم را از جیبم درآوردم و رگ‌های دو دستش را بریدم. کنار نشستم تا خونس تمام شود اما هیچ خبری نبود و خون نمی‌آمد. مایع لزج و غلیظی قطره قطره روی دست‌هاش سر خورد و چند لحظه بعد خشکید داشت شب می‌شد و خونس در نمی‌آمد. فکر کردم که قطعه قطعه اش کنم اما چاقوی جیبی‌ام خیلی کوچک بود. چند ضربه کاری روی قلبش زدم بی‌فایده (معروفی، ۱۳۸۶: ۲۹۴).

وحشت برم داشته بود همان جور گذاشتمش توی گودال کوچک‌تری که آن طرف بود و با دست خاک ریختم تمام خاک‌های دور و اطراف را ریختم روی تنش، روی صورتش، روی پاهاش و روی خاک را پا کوبیدم. می‌دانستم زجر می‌کشد (همان‌جا).

۳-۱-۵. در رمان‌های سوررئالیستی، قهرمان را فردی ناسازگار می‌بینیم. او سرگردان و رؤیای‌پردازی است که دست به اعمال غیرمنطقی می‌زند. وی بازتاب و معرف نوعی رفتار است که روان‌شناسان آن را اختلال روانی و جنون گوشه‌گیری می‌نامند (ر.ک: بیگز، ۱۳۸۹: ۱۶۴). در روش زندگی وی نوعی درون‌گرایی مشاهده می‌شود. برای شناخت و درک خود، فرد باید به تجزیه عناصر متغیر و متضادی بپردازد که در شکل‌گیری شخصیتش مؤثرند. در رمان سمفونی مردگان، شخصیت اورهان که قهرمان اصلی رمان است، بسیار نزدیک با این مؤلفه‌های رمان سوررئالیستی است. مثلاً وقتی اورهان در پی آیدین به قهوه‌خانه شورآبی می‌رود، در برف و سرمای بیابان آواره می‌شود و از هر سو صدای گرگ می‌شنود. اورهان نیز گرگ می‌شود و زوزه می‌کشد؛ در واقع صدای زوزه گرگ، صدای تجسم اعمال اورهان در ذهنش است و این تغییر ماهیت انسان به حیوان، همان مسخی است که در تصاویر سوررئالیستی دیده می‌شود.

همچنین تبدیل شدن یوسف به جانوری که فقط می‌بلعد، در سم‌پاشی خانه اورخانی هیچ بلایی به سرش نمی‌آید و هنگامی که اورهان می‌خواهد او را بکشد خونی از بدنش نمی‌ریزد، بلکه فقط مایع لزج و غلیظی قطره‌قطره از بدنش می‌آید و می‌خشکد.

۴- نتایج و یافته‌های تحقیق

ساخت نظام‌مند رمان سمفونی مردگان با بیان دغدغه‌های بشری باعث شهرت و مقبولیت این رمان در دوره معاصر شده است. خلاقیت نویسنده در تلفیق مؤلفه‌های مکتب‌های ادبی فلسفی با هم سبب جذابیت و جامعیت رمان شده است و از طرفی خواننده را برای فهم لایه‌های نهانی داستان و شخصیت‌های آن، به چالش زیادی وا می‌دارد.

حضور بارز مؤلفه‌های سوررئالیستی در این رمان، مرز میان خیال و واقعیت را درهم نوردیده و با اقصای مخاطب، تصویری شگفت و جذاب و گاه باورنکردنی به نمایش می‌گذارد که خواننده برای درک اجزای آن، به دقت و تأمل بیشتری وسوسه می‌شود.

یکی از ویژگی‌های سوررئالیستی رمان سمفونی مردگان، ساختار درونی آن است که منطق خاص خود را دارد؛ بدین صورت که وقوع حوادث در خط زمانی مرتب بیان نمی‌شود بلکه نویسنده در جای جای رمان به شیوه جریان سیال ذهن حوادث را ذکر می‌کند و این خواننده است که با خواندن کل رمان و تأمل در صحنه‌ها و حوادث مختلف آن‌ها، می‌تواند رمان را درک کند.

از دیگر مؤلفه‌های سوررئالیستی این رمان، ترسیم فراواقعی شخصیت‌های رمان است؛ نه به این صورت که رمان به سمت خیال و تخیلات اغراق‌آمیز سیر کند بلکه امور فراواقعی با حوادث و امور واقعی درهم می‌آمیزد که این خود باعث جذب و اقناع مخاطب می‌شود. آفرینش تصاویر سوررئالیستی که حاصل از تکانه‌های روحی شخصیت‌های این رمان است، از دیگر مؤلفه‌های سوررئالیستی سمفونی مردگان است که نشانگر این است شخصیت‌های رمان دچار تناقضات درونی در زندگی روزمره خود هستند و نویسنده با این تصاویر سوررئالیستی به خوبی این تناقضات را برای خواننده آشکار می‌سازد.

مخالفت با سلطه عقل و توسل به جنون و انجام کارهای دور از عقل و منطق از دیگر ویژگی‌های بارز این رمان است که با مؤلفه‌های رمان‌های سوررئالیستی مشترک است. در رمان سمفونی مردگان هر کدام از شخصیت‌ها دچار نوعی جنون و حرکات احمقانه می‌باشند. پدر خانواده، یوسف، آیدین، آیدا و اورهان هر کدام در جای جای رمان افکار و اعمال جنون‌آمیز و احمقانه‌ای دارند. هر چند علت و منشأ افکار و رفتار احمقانه آن‌ها شرایط روزگار و دیگر شخصیت‌ها ذکر می‌شود ولی اگر هر کدام از شخصیت‌ها خویشتن‌دار و صبور بودند و عاقلانه رفتار می‌کردند هیچ‌گاه این مشکلات رخ نمی‌داد. با اینکه خانواده جابر اورخانی وضعیت مالی مناسب و جایگاه اجتماعی نسبتاً خوبی دارد اما فقدان عقل و منطق در خانواده او به وضوح دیده می‌شود. نویسنده در خلال رمان یکی از اصلی‌ترین آسیب‌های اجتماعی آن روزگار را یادآور می‌شود و آن، بی‌فکری و سطح پایین فرهنگ است؛ اگر چه افراد جامعه رفاه نسبی داشته باشند ولی فرهنگ مناسب آن را نداشته باشند، این رفاه زهر مهلک و قاتل آن‌هاست و چه بسا نبودن امکانات رفاهی بهتر است؛ اگر پدر خانواده تاجر نبود این همه کشمکش و قتل هم برای کسب ثروت اتفاق نمی‌افتاد.

آخرین نکته درباره مؤلفه‌های سوررئالیستی رمان سمفونی مردگان، حالت روان‌پریشی قهرمان رمان است که فاجعه می‌آفریند. همان‌طور که ذکر شد هر چند همه شخصیت‌ها

دچار نوعی جنون و اختلال رفتاری می‌باشند ولی اورهان که شخصیت اصلی رمان است اختلالات شدید روانی دارد و سیالیت پیوسته او به سمت خلق و خوی حیوانی، هم برای دیگر شخصیت‌ها مشکل‌آفرین است و هم در آخر سر خود را بر باد می‌دهد. چاه مکن بهر کسی...

کتابنامه

۱. اسحاقیان، جواد. (۱۳۸۷). *از خشم و هیاهو تا سمفونی مردگان*، تهران: هیلا.
۲. بزرگ بیگدلی، سعید. (۱۳۹۲). «بررسی و تحلیل انسان آرمانی در رمان سمفونی مردگان»، *مجله ادب پژوهی*، شماره ۲۳، صص ۱۴۸-۱۲۳.
۳. بهبهانی، سیمین. (۱۳۷۰). «نقد کتاب سمفونی مردگان»، *مجله کلک*، مرداد، شماره ۱۷.
۴. بیگز بی، سی. وی. ای. (۱۳۸۹). *دادا و سوررئالیسم*، ترجمه حسن افشار، تهران: مرکز.
۵. دهقان‌پور، پیمان. (۱۳۹۳). «متن پنهان در سمفونی مردگان: بازتاب کتاب اردبیل در گذرگاه تاریخ در رمان عباس معروفی»، *مجله نقد ادبی*، شماره ۲۷.
۶. سید حسینی، رضا. (۱۳۸۷). *مکتب‌های ادبی*، تهران: نگاه.
۷. صلاحی مقدم، سهیلا. (۱۳۹۱). «تحلیل روان‌کاوانه شخصیت‌های رمان سمفونی مردگان بر اساس آموزه‌های زیگموند فروید و شاگردانش»، *مجله ادبیات پارسی معاصر*، پاییز و زمستان.
۸. فتوحی، محمود. (۱۳۸۹). *بلاغت تصویر*، تهران: سخن.
۹. کادن، جی. ای. (۱۳۸۶). *فرهنگ و ادبیات نقد*، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران: شادگان.
۱۰. معروفی، عباس. (۱۳۸۶). *سمفونی مردگان*، تهران: ققنوس.
۱۱. گرجی، مصطفی. (۱۳۹۰). «بررسی تطبیقی داستان‌های بن‌بست و سمفونی مردگان با تأکید بر مسئله اضطراب مرگ»، *مجله پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، تابستان، شماره ۲۱.
۱۲. محمودی، علی محمد. (۱۳۸۲). «روایت جریان سیال ذهن در سمفونی مردگان»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد*، شماره ۱۴۳.
۱۳. میرعابدینی، حسن. (۱۳۸۰). *صد سال داستان‌نویسی ایران*، تهران: چشمه.
۱۴. یاور، حورا. (۱۳۸۶). «روان‌کاوی و ادبیات، بررسی کتاب سمفونی مردگان»، ترجمه پروین مقدم، *پژوهش‌نامه فرهنگستان هنر*، شماره ۴.
۱۵. یکتا، الهام. (۱۳۸۴). *از ازل تا ابد (درون‌کاوی رمان سمفونی مردگان)*، تهران: ققنوس.
16. Mourier, Maurice. (2006). «Le roman surréaliste», *Quinzaine Littéraire*, No 916.

Bibliography

1. Behbahani, Simin (1370). "A Review of the Book of the Symphony of the dead", *Kelk* magazine, August 17, No. 17.
2. Biggs, B, C, V, A. (1389). *Dada and surrealism*, translated by Hasan Afshar, Tehran: Center.
3. Bozorg Bigdeli, Sa'id (1392). "An Analysis of the Ideal Man in the Symphony of the Dead," *Journal of Literary Research*, Vol. 23.
4. Ishaqian, Jawad (1387). *From Anger and Frustration to the Symphony of the Dead*, Tehran: Hayla.
5. Caden, G. A. (1386) *critic of a culture and literature*, translated by K. Firouzmand, Tehran: Shadegan.
6. Dehghanpour, Peyman (1393). "The Hidden Text in the Symphony of the Dead: Reflections of the Book of Ardabil on the History of the Abbas Maroufi's History", *Journal of Literary critic*, No. 27.
7. Fotoohi, Mahmoud. (1389). *Rhetoric of image*, Tehran: Sokhan.
8. Georgian, Mostafa (1390). "Comparative Study of stories Bn-Bst and Symphony of the Dead with emphasis on death anxiety", *Journal of Persian Language and Literature*, summer, No. 21.
9. Mahmoudi, Ali Mohammad (1382), "The Flow of Flow of Mind in the Symphony of the Dead," *Journal of the Faculty of Literature and Humanities of Mashhad*, No. 143.
10. Maroufi, Abbas (1386). *Symphony of the Dead*, Tehran: qoqnoos.
11. Mir Abedini, Hassan (1380). *Hundred Years of Iranian Writing*, Tehran: Cheshmeh.
12. Mourier, *Maurice*. 2006. «Le roman surréaliste», *Quinzaine Littéraire*, No 916.
13. Salahi Moghaddam, Soheila (1391). "Psychoanalytic analysis of the characters of the Symphony of the Dead, based on the teachings of Sigmund Freud and his disciples", *Journal of Contemporary Persian Literature*, autumn and winter.
14. Seyyed Hosseini, Reza (1387). *Literary Schools*, Tehran: Negah.
15. Yavari, Hura (1386). "*Psychology and Literature, Review of the Book of the Symphony of the Dead*", translated by Parvin Moghadam, Research of the Academy of Arts, No. 4.
16. Yekta, Elham. (1384). *From Beginning to Forever* (Inside the Quartet of the Symphony of the Dead), Tehran: Qoqnoos.

A Study of Surrealistic Components in the novel *Symphony of the Dead*

Hojatollah Omid Ali

Arak University

Arak- Iran

Abstract

The novel *The Symphony of the Dead*, written by Abbas Maroufi, featuring a new approach to form and content, with an artist, is based on the elements of several different literary schools. This issue challenges the reader to reach the hidden layers of the novel and characters and this reader's contribution to the interpretation of events, is a great help to the popularity and popularity of the novel Abbas Maroufi,. The existence of the components and foundations of the Surrealism school in the novels of the Symphony of the dead is one of the features of this novel. That Abbas Maroufi has been able to communicate with the jump from time to time and vice versa between imagination and reality and, while persuading the audience, he would have a marvelous and appealing picture for him. The five main components of the surrealistic school in this novel are striking: Intrinsic structure incompatible with conventional time; Excessive drawing of the lives of characters and the atmosphere of the novel; Creation of surrealistic images derived from the psychological moments of characters; the mastery of madness and rationalism and the psychology of the main hero of the novel. This article seeks to investigate the components of the surrealist school in the novels of the *symphony of the dead*, with the aim of examining the surrealist components of the novels of the symphony of the dead.

Key words: Contemporary Iranian novel, *Symphony of the dead*, Surrealistic elements

1. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Arak University
(Corresponding author): H-omidali@araku.ac.ir

Received: 31/08/2017 Accepted: 29/01/2018

